

زیر آسمان فیروزمای

پرفورمنس «هیجان گذشته‌است»

گردهمایی بهترین نوازنده‌های راک ایران

● **شرق:** بهترین نوازنده‌های راک ایران در اقدامی کم‌سابقه و در تجربه جدیدی در شب شنبه‌ها، شنبه، چهارم دی در سالن تئاتر مستقل تهران گردهم جمع شده و به هنرنمایی می‌پردازند. به گزارش روابط‌عمومی شب شنبه‌ها؛ در سومین تجربه از سومین دوره شب شنبه‌ها در سالن تئاتر مستقل تهران برای اولین‌بار دست‌چینی از بهترین نوازنده‌های سبک راک - پاپ در کنار یکدیگر جمع شده و در قالب پرفورمنس موسیقی با عنوان «هیجان گذشته‌است» هنرنمایی خواهند کرد. در این پرفورمنس موسیقی پنج گروه «کَهِت میان»، «اندیشه هُزِر»، «سینا میاچی»، «فرشید کاظمی» و «پارت» با هم‌راهی «فرهاد مجدوب» و «آندره خاچیکیان» روی صحنه آمده و قطعات خود را اجرا می‌کنند و در انتها جمینگ نوازنده‌های گروه‌ها در کنار یکدیگر موجب آغاز هیجان گذشته می‌شود. لازم به ذکر است که پروژه موفق و تأثیرگذار شب شنبه‌ها با طراحی و مدیریت رضا دادویی شکل گرفته و مهدی خان‌محمدی به‌عنوان (مدیر اجرایی)، سیامک قضاعی (مسئول امور داخلی و هماهنگی)، امیر خرازی (برنامه‌ریز) و علی امیری (گروه اجرایی) او را همراهی می‌کنند. سومین تجربه از سومین دوره مجموعه برنامه «شب شنبه‌ها» با عنوان «هیجان گذشته‌است»، با حضور برترین نوازنده‌های موسیقی راک ایران، چهارم دی در ساعت‌های ۱۸ و ۲۰ در سالن تئاتر مستقل تهران برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت این اجرا به سایت ایران‌کنسرت به نشانی www.iranconcert.com مراجعه کنند.

کنسرت «هم‌آوایان تاسیان» در اولین شب زمستان



● **شرق:** گروه گیلکی «هم‌آوایان تاسیان» به سرپرستی «حسین تقی‌نژاد»، اولین شب زمستانی ۹۵، در «تالار وحدت»، در دیدار دوستاندار و مخاطبان خود رفته و گلچینی از آثار قدیمی و تازه خود را به اجرا در خواهند آورد. این کنسرت ساعت ۲۱:۳۰ یکم دی سال جاری، در «تالار وحدت» تهران به روی صحنه می‌رود. امیر ادراکی (کمانچه)، شروش شجاع‌طلب (فیچک آلتو)، حمید سماعتی (تار)، فرهاد پیحی‌پور (نهی)، آرتین قلندپور (تنبک)، رامتین رنیشه (کاخن و پنداریک)، کیارش عشقی (دایره)، ملاححت حداد (همخوان)، نادیا امیرنژاد (همخوان)، علی شفری‌نژاد (تقاره)، مریم پوریا (سه‌تار)، زهرا زولفا (موراز) جمشید فرخی (آواز) بخش گالشی و حسین تقی‌نژاد (سنتور و سرپرست گروه)، در کنسرت پیش‌روی «هم‌آوایان تاسیان»، به هنرنمایی خواهند پرداخت. این گروه با هشت سال فعالیت در حوزه موسیقی بومی تاکنون در اجراهای متعدد داخلی و خارجی حضور داشته‌است. علاقه‌مندان می‌توانند برای خرید بلیت این کنسرت از طریق سایت iranconcert.com اقدام کنند.

افتتاح نمایشگاه «طیب‌زاده»

● **شرق:** نمایشگاه انفرادی مجسمه «منصور طیب‌زاده» با عنوان «ماکزیمال» و با استفاده از انواع چوب‌های اقلیم‌های مختلف ایران، در گالری «آس» تهران افتتاح شد و تا ۱۰ سال جاری ادامه خواهد داشت. در این نمایشگاه تعداد ۱۵ اثر مجسمه از آثار فیگوراتیو چندین‌ساله اخیر «منصور طیب‌زاده» در معرض دید علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی قرار گرفته که این هنرمند با استفاده از تکنیک معرق با شکل و بیان نوین و معاصر و با بهره‌گیری از ترکیبی از مجموعه قطعات متنوع چوب، آنها را خلق کرده است. «منصور طیب‌زاده» در سال ۱۳۳۳ متولد شده و فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و مدرس رشته‌های هنرهای تجسمی در دانشکده‌های هنر کشور بوده است. وی استاد نمونه در رشته صنایع دستی در دانشگاه سیستان‌وبلوچستان و همچنین استاد راهنمای بیش از ۱۲۰ پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های صنایع دستی و نقاشی بوده است. «طیب‌زاده» سابقه برگزاری ده‌ها نمایشگاه انفرادی و بیش از ۴۰ نمایشگاه گروهی داخلی و خارجی را در کارنامه کاری خود دارد.

اثر متفاوت از آنتوان خخوف

● **شرق:** نمایش «آواز قوق»، اثری متفاوت وقابل‌تامل از آنتوان خخوف، به کارگردانی نگین فخرانی تا ۱۲ دی ساعت ۲۰:۳۰ در تماشاخانه استاد مشایخی روی صحنه می‌رود.علاقه‌مندان برای هماهنگی و رزرو بلیت با شماره تلفن ۰۹۳۵۸۱۳۳۲۲- تماس حاصل کنند.

فرانک آرتا: درگذشت مستندساز جوان سینما، نیما طباطبایی، در ۳۹سالگی خبری دردناک بود که این روزها جامعه هنری ایران را غزادر کرده است. کارگردان دو فیلم «یادگاری» و «من ناصر حجازی هستم»، پس از تحمل یک دوره بیماری و به دلیل ابتلا به سرطان ریه صبح یکشنبه ۱۲در درگذشت. نیما طباطبایی ساخت مستند «من ناصر حجازی هستم» را در کارنامه خود داشت و این اثر مستند آژماه سال ۹۴ در گروه سینمایی «هنر و تجربه» به نمایش درآمد. این اثر مستند درباره زنده‌یاد ناصر حجازی، دروازه‌بان و مربی فوتبال ایران و تیم «استقلال» بود که در پنج فصل «من رؤیای دارم»، «آخرین مرد مقاوم»، «سهراب‌کشی»، «استقلال تا استقلال» و «پرواز عقاب» ساخته شد. او فرزند زنده‌یاد غلامرضا طباطبایی، بازیگر و استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده هفت عنوان کتاب بود که دی‌ماه ۱۳۸۴ رخ در نقاب خاک کشید. در دوره بیماری این هنرمند، اعتراض‌هایی از سوی رؤیا تیموریان، خاله این مستندساز، رسانه‌ای شد که به‌تازگی به این موضوع اشاره شده است. درنا مدنی، فرزند رؤیا تیموریان دراین باره به «شرق» گفت: «واقعیتی این است که مشکل درمانی نیما طباطبایی به حدود پنج ماه پیش مربوط می‌شود؛ یعنی اول مردادماه.

هنر

ماه‌های پایانی زندگی نیما طباطبایی

سایه‌روشن‌های پرونده پزشکی یک مستندساز



نیما به دلیل خون‌ریزی تومور در وضعیت اورژانسی قرار گرفت و ما به بیمارستان بهمن مراجعه کردیم. منتهای پزشکان وقت به مدت ۴۸ ساعت هیچ درمانی را انجام ندادند و بی‌دلیل هزینه پنج میلیون تومان را بابت بستری در بیمارستان از ما گرفتند! در نهایت بابک برزویه عزیز که دوست همه ماست، به دادمان رسید. در همان ساعات پرتلاطم شب عکس‌های

بدرقه جعفر والی در سکوت

حالا دیگر بی‌اضطراب به خواب می‌روی



عکس: هنر آنلاین

«جعفر والی مخصوصا خواست از ما جلو بیفتد؛ چون تحمل نبود ما را نداشت». در ادامه علی مردخانی، معاون هنری وزیر ارشاد، با اشاره به اینکه وزیر ارشاد هم قصد حضور در مراسم را داشت که به دلیل شرکت در جلسه این امکان را پیدا نکرد، گفت: «استاد جعفر والی از بزرگان سپهر تئاتر ایران است و شاید ازاین‌پس بیشتر شناخته شود؛ اما متأسفانه ما در زمانی زندگی می‌کنیم که کمتر به یکدیگر می‌پردازیم. با همه محدودیت‌ها و مشکلات به‌عنوان کسی که دوست دارد با اهالی تئاتر و هنر کار کند، می‌گویم که تمام این تذکرات برای این است که همدیگر را آن‌گونه که شایسته است، دوست داشته باشیم و خوشبختم که با همه محدودیت‌ها تاتار ما نسبت به گذشته وضعیت بهتری دارد». پس‌ازآن پیام تسلیتی هم از طرف محمدعلی کشاورز خوانده شد. فخری خوروش هم که در خارج از کشور زندگی می‌کند، پیامی صوتی فرستاد. ایرج راد نیز

گزارش کنسرت گروه «حرکت آلترناتیو»

کنسرت آرش

شرق: بعدازظهر ۲۶ آذر، گروه حرکت آلترناتیو اجرایی را از آرش کمانگیر در تالار وحدت روی صحنه برد که کهن‌الگوی آن برخلاف روایت‌های تاریخی، زن بود. پردیس خسروی، طراح حرکت و کارگردان این اثر، هستی صالح‌حجازی، سولماز نبازی، آیدا لطیفان، سودا صداقتی، مهران قره‌باغی، رزا قاسمزاده، نونا کلهر، نادیا باقریان، هستی حاج‌محمدی، روزئین طالب‌زاده، خانه علیزاده، مهسا رستمی‌نیا، شیدا محسنی، سارا شاه‌میرزایی، مونا عزیزنی، ملیکا زمانی، یاسمین سرافرازی، آرمینا وکیلی، درسا اسدی، تاراز شاه‌هرادی، مهسا ملایان، نیکو فراهانی،



نماد ازجان‌گذشتگی برای عشق است و همچنین او نماد عشق به وطن است. این سه ویژگی؛ یعنی عشق به وطن، ازجان‌گذشتگی برای معشوق و صلح‌طلبی را زنان نیز دارند و بسیار دارند. از این نتیجه گرفتیم که آرش می‌تواند زن نیز باشد و به‌این‌سبب جسارت کردیم و شعر کسرایی را تغییریی تک‌کلمه‌ای دادیم و گفتیم: «منم آرش، منم آن فرد آزاده». پروژه آرش کمانگیر اما همین‌جا و با تک‌اجرای ویژه باتوان به پایان نخواهد رسید و رضا جعفری‌بهنام به‌عنوان مدیر اجرایی گروه، نوید اجرای ۱۵ شب را در تالار وحدت با پذیرش عموم داد که در سال ۹۶ بر صحنه خواهد رفت. در این اجرا نیما خسروی به‌عنوان دراماتورژ، پگاه نیازی پور به‌عنوان دستیار طراح حرکت، مونا عزیزنی به‌عنوان مدیر صحنه و آرزو روشنایی، بهمن شایسته و تارا شاه‌هرادی به‌عنوان راوی همراه گروه بودند.

پزشکی را از طریق بابک برزویه به پدرشان، دکتر برزویه که متخصص مغز و اعصاب هستند، رساندیم که خوشبختانه ایشان به‌موقع رسیدگی کردند و او را از خطر مرگ نجات دادند؛ همان موقع هم شکایت کردیم که از سوی حراست دانشگاه علوم پزشکی و سازمان نظام پزشکی جلسه‌ای محرمانه تشکیل دادیم و همه موارد را به اطلاعاتشان رساندیم». او در ادامه افزود: «اما در دوره دوم معالجه نیما، به بیمارستان ایرانمهر مراجعه کردیم. بعد از عمل موفقیت‌آمیز تومور مغزی توسط دکتر برزویه، به علت متاستاز ریه، نیما همچنان تحت درمان در بیمارستان ایرانمهر قرار گرفت. در تمام مدت درمان واقعا کادر پزشکی سنگ‌تمام گذاشتند. ما به‌جز خوبی از این بزرگواران چیز دیگری ندیدیم. پزشکان، پرستاران و همه کادر بیمارستان همدلانه همراهی کردند. حتی دکتر روزبه نقشبن، پزشک نیما وقتی شنید که نیما فوت شده، گریه کرد و گفت از معدود بیمارانی بود که مرگش عمیقاً مرا متأثر کرد. ما واقعا از همه آنها نهایت تشکر را می‌کنیم. از پزشکان نیما همچون آقایان مرادیان، خسروی، برزویه، نقشبن و... و از مترون و پرستاران و... بیمارستان، اما به‌هرحال با همه زحمات، تقدیر این بود که نیما دیگر در میان ما نباشد؛ روحش شاد».

حرفی نمی‌زنم». دولت‌آبادی سپس یادداشتی را که از قبل نوشته بود، قرائت کرد که در بخشی از آن آمده بود: «جعفر والی، هنرمند تئاتر ایران، حالا دیگر بی‌اضطراب به خواب می‌روی، بی‌خیال از اینکه صحنه چه می‌شود، نور کجا و دکور چه و اینکه در تئاتر چه رخ می‌دهد، وقتی که تزیاب شده‌ای در آن سوی کره زمین. از تو در ذهن من نه‌نقط یک هنرمند مقبول تئاتر، بلکه یک آدم خوب و مهربان است که همچنان با روی گشاده تسلیم می‌زند و هیچ لحظه‌ای آن مهربانی تو دور نمی‌شود از یاد لایب هر که تو را شناخته است. می‌دانی که میان آدمیانی که در صحنه‌های نمایش بودند، عهدی ناگفته و نانوشته وجود داشت، در باب آدم‌بودن و اندکی آشن‌شدن بیشتر که تو خود همان بودی؛ اما تو در عین‌حال نمونه‌ای از فترت در هنر ایران به شمار می‌روی و این فترت فقط تو و امثال تو را به زانو درنیازد در غربت، بلکه در نبود امثال تو یک بار دیگر هنر تئاتر در این کشور به خاک خوابانیده شد... تا کی دوباره برآید تاتار با چنان شور و دل‌دادگی و انسجام و گذشت و رفاقت. باری است سنگین بر دوش شیفگان اکنون، تا چه پیش آید. به خانواده‌ات، به فرزندان، به خدوم و به تمام جواندگان هنر کشور تسلیم می‌گویم». در پایان این مراسم پیش از آنکه حجت‌الاسلام محمود داعبی بر پیکر مرحوم جعفر والی نماز بخواند، ناهید طباطبایی، نویسنده، به‌عنوان نماینده خانواده والی متنی داستان‌گونه را با یادآوری خاطرات گذشته از پدرش که زمانی مدیریت تالار سنگلج را بر عهده داشت، به همراه فرزندان جعفر والی قرائت کرد. در این مراسم هنرمندانی مانند خسرو سبائی، مهدی شفیعی، پیمان شریعتی، پریسا مقتدی، آیدین آغداشلو، هادی مرزبان، هوشنگ قوانلو، مازیار میری، مسعود دلخواه، اتابک نادری، بدالله صمدی، مهدی میامی، محسن حسینی، شهرام کریمی، رضا بنفشه‌خواه، محمد ساربان، خسرو احمدی و... حضور داشتند.

نمایشگاه انفرادی عکس زهرا خرمی

سندروم آکواریومی در گالری «دنا»

فرد به همراه دارد، بلکه آرامش افراد جامعه را نیز بر هم می‌زند. نمود بارز این تفکر را می‌توان در پیدایش معضلی مانند داعش و پدیده وهابیسیم یافت. علت ناگذاری این نمایشگاه به «سندروم آکواریومی» شباهت زیاد جامعه بشری به آکواریوم است. ماهی‌ها به طور مستقیم و گاه غیرمستقیم متأثر از کیفیت سلامت خود هستند؛ اما به دلیل نگاه حضور در مراسم را پیدا رتکباب هرکزی است. خرمی که دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد فلسفه غرب از تهران است، در این نمایشگاه نگاهی فلسفی داشته بر گناهان، که براساس بسیاری از ادیان ریشه تمام گناهان است. از آن جمله در الهیات مسیحی فهرستی از هفت گناه ارائه شده و باور بر این است که برای زنده‌ماندن نیاز به حفظ تعادل در میزان باتکری‌های



موجود در آکواریوم دارند. میزان بالای باتکری‌ها باعث اسیدی‌شدن آب شده و مرگ ماهی‌ها را به دنبال خواهد داشت. از طرفی، پاک و عاری‌بودن آکواریوم از هرگونه باتکری نیز موجب بالا رفتن سطح آمونیاک آب شده که این نیز می‌تواند به مرگ ماهی‌ها منجر شود؛ علاوه‌براین ماهی‌ها برای بقا نیاز به حفظ تعادل خود در آب دارند؛ که این عمل به وسیله کیسه هوا صورت می‌گیرد. چنانچه کیسه هوا دچار آسیب شود ماهی نمی‌تواند تعادل خود را در هنگام شناکردن حفظ کند. زهرا خرمی در ویدئویی شامل مصاحبه‌هایی که با افرادی با ملیت‌های مختلف انجام داده، ضرورت و طبیعی‌بودن پرداختن به این امیال را نشان داده است. او با اشاره به فلسفه لکان درباره میل، بر اهمیت و نقش امیال در حفظ و تداوم حیات و نسل بشر اشاره کرده است.

ادامه از صفحه ۱۲

دور باطل: نئولیبرالیسم و نئوفاشیسم در سرمایه‌داری متأخر

به‌این‌ترتیب می‌رسیم به نئوفاشیسم. چرا نئوفاشیسم؟ بعد از انتخاب ترامپ یا بعد از مطرح‌شدن اسم او، کتابی با عنوان America نوشته برترام گراس در سال ۱۹۸۰ دوباره مورد توجه قرار گرفت. در این کتاب برترام گراس از نوع جدیدی از فاشیسم حرف می‌زند: فاشیسم صمیمی، دوستانه، مهربان. من نمی‌خواهم به این کتاب استناد کنم، با اتفاقاتی که افتاده این دوستانه‌بودن فاشیسم هم تا حد بسیاری زیر سؤال رفته است. البته منظور برترام گراس این است که در این حالت، مصرف و یک جور رفاه نسبی تضمین می‌شود و آزادی‌های سیاسی فراموش می‌شود. ولی در حقیقت در دوره فعلی با چهره‌های فاشیستی مواجهیم که آمیزه‌ای از بلاغت، وقاحت، ساده‌لوحی، لودگی و خشونت هستند.

برای اینکه در مورد فاشیسم فکر کنیم، یکی از آغازگاه‌های مناسب جمله معروف هورکهایمر است: «کسی که نمی‌خواهد از کاپیتالیسم حرفی بزند در مورد فاشیسم هم باید سکوت کند». این جمله را می‌توانیم به این شکل بازسازی کنیم: «کسی که نمی‌خواهد در مورد منطق دورگه دولت-سرمایه سخن بگوید در مورد فاشیسم نیز باید سکوت کند». یا یک جمله دیگر از آگوست تالهپایمر: «وقتی شرایط اجتماعی و سیاسی آماده می‌شود آن‌گاه حتی یک مهره پلاستیکی هم کفایت می‌کند». درواقع فاشیسم به‌عنوان یکی از عارضه‌های منطق دولت-سرمایه زمانی به وجود می‌آید که وضعیت اجتماعی به‌ویژه بعد اقتصادی آن نحوه دیگری از سازماندهی اجتماعی را ایجاد می‌کند، اما دولت به‌منزله ماشینی از پیش موجود نقشی آلت‌رناتیو را بازی می‌کند و فرایند شکل‌گیری سازماندهی جدید را -که موتور محرک آن میل مردم به بی‌ان دقیق‌تر، یک میل مردم‌ساز است- از بین می‌برد و به این‌ترتیب فرصتی حاصل می‌شود که وضع موجود به حاصل ازدواج دو منطق دولت و سرمایه است تداوم پیدا کند. اما این امر میسر نمی‌شود مگر با فرایندی که عبارت است از ادیبی‌شدن همان میل مردم‌آفرین. این ادیبی‌کردن میل مردم‌آفرین، میلی که تحقق آن منجر می‌شود به یک ارکانیزاسیون جدید، با آفریدن «فقدان» مهار می‌شود. این فرایند ادیبی‌کردن درواقع، آفریدن فقدان برای مهار میل به تغییر است که با ملم‌کردن یک دال، مثل «عظمت آمریکا»، یا «امریکا فقط برای آمریکایی‌ها»، آغاز می‌شود و همان مهره پلاستیکی تالهپایمر با چسبیدن به این دال خودش را عنصری سندیسیم، عنصری بیرون از نظم موجود، معرفی می‌کند و چنین وانمود می‌کند که میسوسم دشمن آن چیزی است که این دال معرف آن است. از این طریق مردمی که میل تغییر تسخیرشان کرده، فکر می‌کنند آن چیزی که می‌خواستند همان چیزی است که ممنوع شده است و به‌این‌ترتیب میل به تغییر منحرف و کانالیزه می‌شود و تبدیل می‌شود به میل به عظمت دوباره آمریکا و به‌این‌ترتیب میلی که می‌تواند به تغییر بنجامد، معطوف می‌شود به بازتولید نظم موجود.

در پایان و در مقام جمع‌بندی چند سطر را یکی از کتاب‌های لودویگ فون میزس، پیشوای مکتب اتریش، جد فکری هایک را (هایک شاگرد فون وایز است و فون وایز هم شاگرد و دست‌پرورده فون میزس) می‌خوانم. او کتابی دارد به اسم «نئولیبرالیسم» که سال ۱۹۲۷ نوشته شده است، ترجمه انگلیسی این کتاب در دسترس است بخشی از آن، «برهان فاشیسم»، به فارسی ترجمه شده است. درواقع می‌خواهم ادعای اصلی این میحت، یعنی آن دور باطل میان نئولیبرالیسم و نئوفاشیسم را با ارجاع به این متن طرح کنم. فون میزس آن‌قدر صداقت دارد که برخلاف پیروان ایرانی‌اش رابطه لیبرالیسم با فاشیسم را تأیید کند: «نمی‌توان انکار کرد که در برابر حملات خشونت‌آمیز راهی جز دفاع خشونت‌آمیز وجود ندارد. در برابر اسلحه‌های بشنویک‌ها باید از اسلحه استفاده کرد... این را لیبرال‌ها هرگز انکار نکرده‌اند. آنچه تاکتیک لیبرال را از تاکتیک فاشیستی متمایز می‌سازد، این برداشت نیست که در مقابل مهاجمان مسلح باید مقاومت مسلحانه انجام داد، بلکه وجه تمایز این دو، در ارزیابی اصولی‌ای نهفته است که آنها از نقش زور در نبرد قدرت دارند... بهره‌گیری خام از زور [یعنی، بهره‌گیری از زور بدون توجه به افکار عمومی] فقط موجب می‌شود کسانی که ما قصد داریم علیه‌شان مبارزه کنیم، دوستان جدیدی پیدا کنند. در نبرد زور و ایده، همیشه ایده پیروز است... اگر فاشیسم واقعا می‌خواهد با سوسیالیسم مبارزه کند، باید ایده‌هایی در مقابل آن قرار دهد. اما فقط یک ایده وجود دارد که می‌توان آن را در برابر سوسیالیسم قرار داد: ایده لیبرالیسم... پیروزی فاشیسم در برخی کشورها صرفا میان‌برده‌ای است در سلسله‌ای از فرافروشتی‌باز از مبارزات بر سر مشکل مالکیت... نمی‌توان انکار کرد که فاشیسم و تمام حرکت‌های مشابه معطوف به تأسیس دیکتاتوری بر از نیت‌های خوبند و مدخله آخر قرار در این مقطع زمانی [اواخر دهه ۱۹۲۰] تمدن اروپایی را نجات داده است. خدمتی که فاشیسم با این کار خود انجام داده است، در تاریخ جاودان خواهد ماند.»

• **این سخنرانی روز پنجم آذر در تماشاخانه موج نو انجام شده است.**